

Examples of property confiscation in Iran's subject law

Abstract

Property confiscation means confiscation of all or part of the defendant's property for the benefit of the government. Due to the prevalence of some specific acts and violations in the society, the legislator has used the executive guarantee under the title of nationalization and confiscation of property to punish and punish the relevant persons. Therefore, one of the most important measures that should be taken regarding property related to crime is the confiscation of this property, which is usually done in order to confiscate said property, and also the purpose of confiscation and confiscation of property, as well as its Shari'a and legal foundations, should be examined. As a result, ownership is respected only when it is created through legitimate means. Based on this, in this research, it has been tried to answer this main research question: what are the examples of confiscation of property in Iranian law? Give an appropriate answer. According to the nature of the subject, the present research has been conducted in terms of practical purpose and in terms of collecting information by documentary method and through the study of valid laws and sources, and the obtained information has been analyzed in a descriptive-analytical manner. The findings and results showed that confiscation of the property of the convicted by the government is one of the legal methods based on the laws of the country (Article ۴۹ of the Constitution) and verses and traditions. Examples of confiscation of property in law include: property resulting from usury, usurpation, bribery, embezzlement, theft, gambling, abuse of endowments, and abuse of boycott and government transactions.

Keywords: examples of confiscation, property confiscation, constitution, Iranian law.

مصادیق مصادره اموال در حقوق موضوعه ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

محمد آهنگری^۱

علی چهکندی نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

سیدمحمد رضوی^۳

چکیده

مصادره اموال به معنای ضبط تمام یا بخشی از اموال متهم به نفع دولت است. به علت شیوع برخی اعمال خاص و تخلفات در جامعه، مقنن از ضمانت اجرایی با عنوان ملی کردن و مصادره اموال برای تنبیه و مجازات اشخاص مربوطه استفاده نموده است. بنابراین یکی از مهم‌ترین اقداماتی که درباره اموال مرتبط با جرم باید انجام شود ضبط این اموال است که معمولاً به منظور مصادره اموال مذکور انجام می‌شود و همچنین بیان اهداف ضبط و مصادره اموال و نیز مبانی شرعی و قانونی آن مورد بررسی قرار گیرد. در نتیجه مالکیت فقط در حالتی که از راه مشروع به وجود آید، محترم می‌باشد. بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است که به این سؤال اصلی تحقیق این است که مصادیق مصادره اموال در حقوق ایران چیست؟ پاسخ مناسب داده شود. با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها و نتایج نشان داد که مصادره اموال محکوم علیه توسط دولت به یکی از روش‌های قانونی که مبنای آن قوانین کشور (اصل ۴۹ قانون اساسی) و آیات و روایات می‌باشد. مصادیق مصادره اموال در حقوق عبارتند از: اموال ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری و معاملات دولتی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مصادیق مصادره، مصادره اموال، قانون اساسی، حقوق ایران.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران Mohammadahangari@yahoo.com

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول) Chahkandi@iaubir.ac.ir

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران Razavi1213@birjand.ac.ir

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که همواره در جوامع بشری از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، موضوع حق مالکیت اشخاص و لزوم احترام به این حق است. قوانین اساسی و عادی هر گونه تعرض و تجاوز به این حق را ممنوع اعلام کرده است. نقض حقوق مالکانه اشخاص مستلزم اعمال ضمانت اجراهای مدنی نظیر الزام به جبران خسارات و در برخی موارد ضمانت اجراهای کیفری مانند حبس و جزای نقدی است. حق مالکیت نه تنها مورد حمایت قوانین داخلی کشورها قرار گرفته است، بلکه در بسیاری از اسناد بین‌المللی نیز بر اهمیت این حق و لزوم محترم شمردن آن تاکید شده است. مالکیت حقیقی است برای بشر تا او بتواند بدون دغدغه و با آزادی زندگی خود را به سر برد و شخصیت خود را بسط دهد. مالکیت جز فطرت و غریزه انسان است (نجفی، ۱۳۹۸، ۳۰).

انسان نسبت به آنچه به دست می‌آورد حس مالکانه داشته و خواهان آن است که قوانین و مقررات در جهت تضمین آن تصویب و اجرا شوند. ولی آنچه امروزه مشاهده می‌کنیم تثبیت قوانین و مقررات محدود کننده و گاهی سلب کننده حق مالکیت می‌باشد (کامیار، ۱۳۹۶، ۲۳). انسان موجودی اجتماعی است و در طی گذشت سال‌ها، همواره برای داشتن یک زندگی مسالمت‌آمیز، نیازمند قانون و برنامه بوده است. در برخی کشورها این قوانین توسط نمایندگان مردم، تصویب و به اجرا در می‌آید، که به نسبت تنش‌ها در چنین جامعه‌ای کمتر می‌باشد. انسان موجودی مختار آفریده شده و خواستار آن است که آنچه را با کار و تلاش خود به دست آورده می‌آورد در تصرف و تملک خود داشته باشد. لذا مساله مالکیت از همان ابتدای تاریخ بشر تا به امروز با زندگی فردی و اجتماعی انسان ارتباط عمیقی پیدا کرده است و تاثیرات خود را در زوایای مختلف حیات بشری به جای گذاشته است (دلیر، ۱۳۹۵، ۵۵). سلب شدن مالکیت افراد نسبت به املاک و اموال توسط ارگان‌های دولتی و تفکر عدم برقراری نظم و عدالت اجتماعی و عدم برنامه‌ریزی صحیح، از جمله چالش‌هایی است که جامعه با آن روبرو می‌باشد. لذا دانش حقوق که رسالت قانونمند کردن فعالیت‌های فردی و گروهی را در هر جامعه به عهده دارد، نباید در مقابل نیاز عمومی جامعه حالت منفعلانه داشته باشد بلکه باید فعالانه عرصه را به دست گرفته و از احقاق حقوق افراد حمایت و در مقابل، رفاه عمومی را برقرار کند (مهدی زاده، ۱۳۹۵، ۷۸۵). لذا امید می‌رود افراد نسبت به قوانین و مقررات محدود و سلب کننده حق مالکیت خود، در جامعه آگاهی یابند و شاهد کمتر شدن تنش‌ها و مشکلات مربوط به چنین امری در جامعه باشیم (مسیح زاده، ۱۳۹۹، ۱۷).

یکی از آثار شناخت حق مالکیت ممنوعیت و ادار ساختن مالک به انجام عملی نسبت به مایملک خود است که به آن تمایل نداشته باشد، اما به لحاظ تکامل و پیشرفت کارکردهای دولت و نیازهای عمومی این حق دچار محدودیت‌هایی نیز شده است. بنابراین دیگر نمی‌توان حق مالکیت را به صورت مطلق برای اشخاص پذیرفت و امروزه این حق از سوی حاکمیت و دولت‌ها تعدیل شده است (عامری، ۱۳۹۶، ۱۰).

هر چند امروزه اموال و ارتباط آن با وقوع جرم بر کسی پوشیده نیست. بزهکاران و سازمان‌های بزهکاری همه ساله از طریق ارتکاب جرایمی مانند قاچاق مواد مخدر و پول‌شویی میلیون‌ها دلار تحصیل می‌کنند و در این راستا از اموالی مانند خودرو، هواپیما و کشتی و غیره در ارتکاب جرم استفاده می‌نمایند، لذا اصطلاح اموال مرتبط با جرم ناظر بر

اموالی است که یا به عنوان ابزار و وسیله برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته و یا به این منظور اختصاص یافته و قرار بوده مورد استفاده قرار گیرد و همچنین اموالی که موضوع جرم بوده و جرم بر روی آنها ارتکاب یافته و بالاخره اموالی که از طریق ارتکاب جرم تحصیل شده است که عواید ناشی از جرم نامیده می‌شوند. همانطور که کشورها به منظور فراهم آوردن امکان مصادره اموال مرتبط با جرم و خصوصا عواید ناشی از جرم اقداماتی اتخاذ می‌کنند، مجرمین و سازمان‌های بزهکاری نیز اقداماتی انجام می‌دهند تا بتوانند از مصادره اموال خود جلوگیری کنند و از طرف دیگر شرایطی که در قوانین مختلف پیش بینی شده است، بعضا به گونه‌ای است که امکان مصادره اموال وجود دارد. لذا باید خلاءهای قانونی در این خصوص مورد بررسی قرار گیرد و همچنین در خصوص ایجاد راهکاری عملی برای ثبت تمامی اموال آحاد جامعه اقدام گردد که از جمله راهکارها می‌توان ثبت الکترونیکی اموال افراد اشاره کرد که یک آمار دقیق از اموال افراد جامعه جهت شفاف‌سازی امور در اختیار دولت باشد.

۲. ادبیات و مبانی نظری

مصادره مصدر عربی باب مفاعله از ریشه صدریه معنی انصراف و برگشت دادن و در فرهنگ فارسی به معنای از دست دادن مال یا حق به عنوان نتیجه یک جرم و یا به خاطر نقض یک تعهد معنا شده است (خواجه وند و پوراسکندر، ۱۳۹۶، ۱۱۱). مصادره در لغت به معنی مطالبه مال می‌باشد و در اصطلاح زبان فارسی مطالبه و گرفتن مال به وسیله دولت از غیر طرق قانونی و با طرق متعارف را می‌گویند. در ترمینولوژی حقوق مصادره به معنای مطالبه مال و در اصطلاح به معنای مطالبه و گرفتن مال به وسیله دولت از غیر طرق قانونی و یا طرق متعارف ذکر شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۳۳۷۴).

معنی واژه مصادره اموال در زبان فارسی عبارتست از:

- تاوان، تاوان‌گیری و مطالبه مال به زور یا به سبب ارتکاب گناه و اخذ جریمه.
- ضبط نمودن دارائی کسی که مرتکب جرمی که مرتکب شده یا دزدی که موجب به دست آمدن آن دارائی است.
- مصادره در اصطلاح مستوفیان و ضبط اموال عامل می‌باشد در ازای مالی که در ضمان داشته شده است (دهخدا،

(۱۳۷۷)

- مطالبه مال (عیسایی تفرشی، ۱۳۹۵، ۲۴۶)

مال کلمه است عربی و جمع آن اموال است. مال در لغت عبارت از آن چیزی است که استمال آن از هر ناحیه ممکن است و در اصطلاح حقوقی مال به چیزی می‌گویند که بتواند مورد داد و ستد واقع شود و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را دارد. مال عبارت است از عینی و یا حقی که نزد مردم قیمت مادی دارد. مال به اعتباری دو نوع می‌باشد مال مادی و مال معنوی (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ۵۳). همچنین مطابق ماده ۱۱ قانون مدنی اموال بر دو قسم است منقول و غیرمنقول. در توصیف مال غیرمنقول، ماده ۱۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود

مال یا محل آن شود و در توصیف مال منقول ماده ۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است.

مال در حقوق ایران تعریف نشده است؛ در صورتی که برای شناخت مال و انواع و آثار مترتبه بر آن نیاز به تعریف جامعی است. مال معنای نسبی دارد و در خصوص داوری نسبت به مالکیت آن به عرف و جامعه مراجعه می‌کنند. برای بررسی مال می‌توان گفت دارایی هر شخص عبارت است از مجموع اموالی که به آن شخص اختصاص دارد خواه در حقوق باشد یا داخل در تکالیف. بنابراین کلیه امور مالی هر شخصی اعم از اعیان موجود در خارج و مطالبات و دیونش دارایی او را تشکیل می‌دهد. مال در اصل مخصوص طلا و نقره بود، سپس مفهوم آن توسعه یافته و شامل هر چیز قابل انتفاعی شده است.

پس به هر چیزی که برای انسان نافع و استفاده از آن ممکن باشد مال گویند، اما به شرط اینکه مملوک و یا قابل تملک باشد و بتوان آن را تحت اختیار و سلطه خود درآورد. بنابراین اشیایی که اختصاص به اشخاص معینی نداشته و قابل تملک نباشند، مثل آفتاب و ماه و هر چه از این قبیل باشد عنوان مال بر آن‌ها صادق نیست. حق مالی امتیازی می‌باشد که حقوق هر کشور، به منظور تامین نیازهای مادی اشخاص به آن‌ها می‌دهد حق مالی، حق است که متعلق آن مال است، خواه آن مال عین باشد یا منفعت یا حق ارتفاق و حق انتفاع. هدف از ایجاد حق مالی، تنظیم روابطی می‌باشد که در هیأت استفاده از اشیاء بین اشخاص وجود دارد و موضوع مستقیم آن تأمین حمایت از نفع مادی و با ارزش است، این دسته از حقوق، برخلاف گروه نخست قابل مبادله و تقویم به پول است، مانند حق مالکیت، حق انتفاع و حق مطالبه مبلغی پول یا انجام دادن کار معین. حق مالکیت به این دلیل که شامل تمام منافع اقتصادی شی می‌شود، چنان با موضوع خود به هم آمیخته که در نظر نخست مورد توجه واقع می‌شود. ولی با اندک تأمل به خوبی پیداست که آن چه مورد تملک قرار می‌گیرد و به اشخاص اختصاص پیدا می‌کند و از نظر حقوقی در آن تصرف می‌شود، رابطه اعتباری می‌باشد که انسان با اشیاء دارد به همین خاطر است که به آن مال نامیده می‌شود. در هیچ یک از منابع و ادله فقه اصطلاح مصادره اموال بیان نشده است. در متون کهن فقهی اهل سنت نیز ظاهراً اصطلاح مصادره استعمال نشده، اما در برخی از آثار فقهی و حقوقی جدید اصطلاح مزبور مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، عبد القادر عوده در کتاب «التشریح الجنائی» بارها اصطلاح مصادره را استفاده نموده است. امام خمینی برای واژه مصادره از اصطلاحاتی چون گرفتن، بازگردان و رد کردن به جای مصادره استفاده نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۰). در اصطلاح حقوقی مصادره بدین معناست که دولت از تمام یا قسمتی از اموال فردی شخص سلب مالکیت نماید و آن اموال را در اختیار خود بگیرد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۸، ۳۷۳).

۳. ماهیت مصادره اموال در حقوق

در رابطه با ماهیت مصادره اموال، حقوقدانان نظرات مختلفی ابراز نموده‌اند. برخی بیان می‌کنند: ماهیت جزایی دارد و مجازات می‌باشد. عده‌ای دیگر آن را دارای ماهیت حقوقی و مدنی دانسته‌اند. در قوانین کیفری ایران، مصادره اموال

گاهی به عنوان مجازات و گاهی به عنوان یک اقدام تأمینی و گاهی هم در مفهوم مدنی آن (استرداد) به کار می‌رود؛ اما بیشتر جنبه جزایی دارد. تخفیف مجازات مصادره، در حقوق کیفری ایران صراحتاً تعیین تکلیف نشده است و رویه محاکم هم بر این است که مصادره اموال و ضبط، قابل تخفیف نمی‌باشد. مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف می‌باشد، ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحبان حق رد نماید و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد، این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

همچنین ماهیت مصادره اموال با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ گونه‌ای از مجازات می‌باشد که در کنار مجازات‌های دیگر به عنوان مجازات تبعی یا تکمیلی قرار می‌گیرد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

عده‌ای اعتقاد دارند که مصادره اموال تنها جنبه حقوقی دارد و شخصی که اموالش مورد مصادره قرار گرفته است، در حقیقت باید آنچه که به ناحق تصاحب نموده را به بیت المال بازگرداند. لازم به ذکر است؛ عوامل و جرائمی که می‌تواند منجر به مصادره اموال شوند، متعدد می‌باشند. به بیان دیگر مصادره اموال در حقیقت گونه‌ای از مجازات می‌باشد که قانون‌گذار در کنار مجازات اصلی از آن به عنوان مجازات تکمیلی یاد کرده و قاضی موظف می‌باشد ضمن رسیدگی به جرم و تعیین مجازات، نسبت به اموالی که از طریق جرم بدست آمده است، نیز تعیین تکلیف نماید.

در این بین امکان دارد در برخی مواقع نیز جهت پیشگیری از وقوع جرمی، نسبت به مصادره اموال حکم صادر نماید. در مورد اینکه مصادره اموال می‌تواند به صورت جزئی یا کلی باشد، باید به نوع جرم و مجازات آن توجه نمود. جرائمی که مشمول مجازات مصادره اموال می‌شوند بیشتر از نوع تعزیری هستند، یعنی جرائمی می‌باشند که تعیین نوع و میزان مجازات آنها بر عهده حاکم جامعه اسلامی است. جرائمی که برای آنها مجازات مصادره اموال به عنوان مجازات تکمیلی بیان شده است به شرح ذیل می‌باشند ۱- حمل و فروش مواد مخدر ۲- حمل و تولید و فروش مشروبات الکلی ۳- جرم قمار ۴- تکدی‌گری و کلاشی ۵- تهیه و ترویج سکه قلب ۶- صدور تصدیق نامه‌های خلاف واقع ۷- حفاری غیرمجاز ۸- سرقت و فروش اموال فرهنگی و تاریخی ۹- رشوه و اختلاس.

مصادره و سلب مالکیت اموالی که از راه‌های خلاف شرع و قانون بدست آمده به عنوان مجازات اعمال نشده و جنبه حقوقی آن بر جنبه کیفری آن ارجحیت دارد، چرا که اموالی که از طریق خلاف شرع و بر خلاف مقررات قانون تحصیل می‌شوند و از نظر حقوقی، دارنده آن، مالک به شمار نمی‌روند؛ چون از طریق سبب قانونی، مالکیت به او انتقال نمی‌یابد ضبط و مصادره اموال به دو صورت می‌باشد، ۱- مصادره عمومی ۲- مصادره خاص.

مصادره عمومی به مصادره‌ای است که اموال موجود محکوم علیه، اعم از منقول و غیر منقول به نفع دولت ضبط شده است. برای نمونه ماده ۱۴ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر در این رابطه مقرر می‌کند: تمامی اموال منقول و غیرمنقول اشخاصی که به علت ارتکاب جرایم مندرج در مواد ۲ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ این قانون مورد تعقیب واقع می‌شوند، به دستور دادستان ضبط و پس از صدور حکم قطعی به نفع دولت مصادره می‌شود.

مصادره خاص نیز از حکم دادگاه مطابق با قانون مصادره خاص، به ضبط بخشی از دارایی مجرم که در وقوع جرم تاثیر داشته است می‌گویند. مصادره خاص، اصولاً یک نوع مجازات تکمیلی می‌باشد که در کنار مجازات اصلی تعیین شده و اجرا می‌شود با عنایت به موارد فوق، در مورد مصادره اموال، هیچ نوع خسارتی به صاحب حقوق مالکانه پرداخت نخواهد شد و در حقیقت این مورد از موارد تأمین حقوق مالکانه نمی‌باشد.

از منظر حقوقی، مقنن در جهت تشدید مجازات در بندهای ۵، ۶، ۴ ماده پنج و ماده شش و بند ۶ و تبصره یک ماده ۸ و ماده ۱۳، تبصره ماده ۱۲، ماده ۲۰، ماده ۲۸، ماده ۲۹، ماده ۳۰ و ماده ۳۶ ضبط و مصادره اموال در جرایمی همچون قاچاق مواد مخدر را به عنوان ضمانت اجراء کیفری جرم قاچاق مواد مخدر ذکر کرده است؛ این مجازات تحت عنوان مجازات اصلی و اجباری است که جزء مجازات‌های بازدارنده شمرده می‌شود و جنبه بازدارندگی فردی و اجتماعی دارد که از تکرار عمل مجرمانه مزبور پیشگیری می‌کند. همچنین ماهیت مصادره اموال با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ گونه‌ای از مجازات می‌باشد که در کنار مجازات‌های دیگر به عنوان مجازات تبعی یا تکمیلی قرار می‌گیرد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

با این اوصاف از نظر نگارنده مجازات مصادره اموال برای اینکه در زمره جرایم اصلی باشد یا تبعی باید به نوع مجازات توجه نمود در برخی جرایم مصادره اموال مجازات اصلی می‌باشد اما در برخی از جرایم به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی به کار می‌رود.

نجفی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی جزایی ضبط و مصادره اموال در قانون مجازات اسلامی ایران بیان کرده که در قوانین کیفری ما در خصوص ضبط و مصادره اموال دارای نقص بوده و کامل نمی‌باشد و نظر به اینکه ضبط و مصادره اموال به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری و نوعی مجازات مالی نیز می‌تواند مطرح باشد. با توجه به اصل فقهی احترام مال و مالکیت در حقوق اسلام و ایران و با عنایت به اصول مسلم حقوقی (اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصل تساوی مجازات‌ها) به جاست که مقنن نسبت به رفع نواقص مشروحه اقدام تا جایگاه ضبط و مصادره اموال در قوانین کیفری ایران مشخص و معین گردد.

مسیح‌زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی جایگاه ملی کردن و مصادره اموال در حقوق ایران بیان کرده که مصادره اموال می‌بایست دارای محدوده و قلمرو مشخصی باشد و ضوابط تعیین کننده آن به نحوی مقرر شود که هم از قطعیت برخوردار بوده و هم موجب تضییع حقوق مالکانه اشخاص نشود. مجموعه قواعد نشأت گرفته از حقوق عمومی که وظیفه حمایت از کاربری عمومی اموال عمومی را دارد، شامل اصولی در زمینه تملک، واگذاری، نگهداری و استفاده از اموال عمومی است. در مجموع این قواعد متفاوت از قواعد حقوق اموال قانون مدنی است و در چارچوب حقوق اداری، یک حقوق اموال خاص را ایجاد می‌کند.

شاکری و قلی‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ضبط اموال در حقوق کیفری ایران به این موضوع پرداخته‌اند که ماهیت ضبط در برخی قوانین که به مجازات بودن آن اشاره دارند و نیز در مواردی هم که نص خاصی در قانون وجود ندارد، مجازات تعزیری محسوب می‌شود. در مواردی که با وجود صدور حکم برائت یا صدور قرار موقوفی تعقیب یا

قرار منع تعقیب تصمیم به ضبط مالی گرفته شود، ماهیت ضبط را می‌توان یک اقدام احتیاطی دانست که غیر از اقدام تأمینی است، زیرا تصمیم به اقدام تأمینی متوقف به جرم و محکومیت مجرم است. هیچ مالی حتی اگر ناشی از جرم یا وسیله ارتکاب جرم باشد یا برای ارتکاب جرم، ساخته یا تهیه شوند، ضبط نخواهد شد، مگر اینکه نص خاصی در قانون کیفری مبنی بر ضبط آن مال وجود داشته باشد. در این صورت اگر با فرضی که آن مال از مستثنیات دین هم است ضبط خواهد شد، در غیر این صورت آن مال با تصمیم قاضی دادسرا یا دادگاه معدوم یا مسترد می‌شود. با این اوصاف مصادره اموال یا ضبط موجب می‌شود که اموال برای همیشه از مالکیت و تصرف مالک یا متصرف آن خارج و به دولت منتقل شود.

۴. روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۵. یافته‌ها

۱-۵. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذر ماه ۱۳۵۸ به تصویب رسید، اصل ۴۹ این قانون چنین مقرر نموده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحبان حق رد نماید و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و نبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود» (امامی، ۱۳۹۰: ۲۱). پس از این مقررات قانونی دیگری در مقام تحقق بخشیدن به اصل مذکور توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد، این مقررات عبارتند از: قانون الزام دولت جهت تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ در مدت چهار ماه مصوب ۱۳۶۰/۵/۲ مجلس شورای اسلامی، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی، قانون تمدید مهلت مقرر در تبصره ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴/۵/۱۴ و قانون شمول اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی (ابوالحمد، ۱۳۸۹: ۱۲).
براین اساس دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی با هدف تعیین تکلیف نسبت به مصادیق اصل ۴۹ قانون اساسی و بررسی اموال بجا مانده از وابستگان رژیم گذشته و همچنین بررسی و صدور حکم نسبت به اموال بجا مانده از افرادی که در فرامین بعدی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری آمده‌اند، تشکیل شدند (ادابی، ۱۳۹۰: ۲۵).

روند شکل‌گیری و تکامل شعب ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی با توجه به احکام گوناگون قانونی می‌توان مصادره اموال را ناظر به اخذ اموال حاصل از جرم دانست که خود بر ۲ نوع است:

- مصادره عام: و آن مصادره‌ای می‌باشد که کلیه اموال حاصله در هر صورت دولت از محکوم گرفته می‌شود، به مانند ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲

- مصادره خاص: مصادره‌ای می‌باشد که بنا به دلایلی فقط بخشی از اموال محکوم علیه که ناشی از جرم بوده به نفع دولت گرفته می‌شود. مانند بند اول ماده ۴ قانون مجازات مواد مخدر سال ۱۳۷۶ که مقرر می‌نماید: «بیش از پنج کیلوگرم اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم» باین بیان که در هر صورت و بنا به دلیل هزینه متعارف زندگی تمامی اموال حاصله از جرم مصادره نمی‌شود (آقایی، ۱۳۸۴: ۵۶).

جایگاهی را که می‌توان برای ضبط و مصادره اموال طرح‌ریزی کرد در جرائم مالی می‌باشد. یعنی قانونگذار این ضمانت اجرا را خاص جرائمی می‌دانسته که با هدف و انگیزه مالی انجام شده است خواه این هدف و انگیزه مستقیم باشد یا غیرمستقیم. از این رو باید بیان داشت ضبط و مصادره در کلیه جرائم مالی به عنوان یک مجازات مستتر می‌باشد (شاکری و قلی زاده، ۱۳۹۸)، با این تفاوت که در برخی از جرائم مالی اصطلاح ضبط و مصادره بیان می‌گردد و به عبارتی موضوع نص صریح قانون می‌باشد، مانند ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲. هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار بدهد، تمامی اموالی که از طریق کلاشی و تکدی بدست آورده است، مصادره می‌شود. در پاره‌ای موارد نیز با آن که قانونگذار صراحتاً نامی از مصادره یا ضبط نمی‌برد و لکن حکمی را بیان می‌دارد که لازمه اجرای آن اعمال ضبط یا مصادره اموال می‌باشد (مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری) عبارت رد اصل مال به صاحبش در ماده فوق ناظر به این مدعی می‌باشد؛ زیرا این استرداد مستلزم نگهداری موقت مال کسب شده از محکوم علیه می‌باشد.

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی نیز استنادی قابل توجه در جهت تأیید این استدلال می‌باشد. در نهایت بهترین نمود، جهت اجرای مجازات ضبط و مصادره اموال در جرائم پول شویی یا همان تطهیر پول می‌باشد. مخفی نمودن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک، به گونه‌ای که یافتن منبع اصلی آن غیر ممکن یا بسیار دشوار شود.

۲-۵. مصادیق مصادره اموال

۱) اموال ناشی از ربا:

بر طبق ۵۹۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ راجع به این موضوع مقرر می‌نماید: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن که جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله کند یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت کند، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبان اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به ۶ ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه

شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌شوند.» مقنن برای اشخاص دخیل در بزه ربا تمامی مجازات‌های حبس، جزای نقدی، شلاق و رد مال را در نظر گرفته است.»

نکته مهم اینکه در بزه ربا دادگاه کیفری در حکم خود رد اضافه مال ناشی از ربا را هم مورد توجه قرار داده است. بدین معنا که ربا دهنده به منظور استرداد مال اضافی ناشی از ربا، نیاز به تقدیم دادخواست و مراجعه به دادگاه حقوقی ندارد. در پرونده‌های مربوط به ربا نکاتی به شرح ذیل قابل توجه است:

- نوع قرارداد و توافق مربوط به ربا در تحقق یا عدم تحقق بزه مزبور تاثیری ندارد.
 - هر قراردادی از قبیل بیع، صلح، قرض و امثال آن می‌تواند منشا توافق و تحقق ربا است.
 - در حقیقت رباخواران نمی‌توانند به منظور دور زدن قانون، عقود و قراردادها را دستاویز شوند.
 - اصولاً در هر قرارداد یا توافقی که بنای اراده طرفین به پرداخت ربا و مالی بیش از آنچه که دریافت شده است قرار گیرد، بزه ربا محقق شده است.
 - بر اساس متن ماده ۵۹۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، مالی که بر اثر ربا رد و بدل می‌شود، باید از یک جنس یا در اصطلاح حقوقی مکیل و موزون باشد. مثلاً؛ پول در قبال پول یا برنج در قبال برنج باشد.
 - بر اساس این ماده، صرفاً ربا دهنده مجرم نمی‌باشد، بلکه رباگیرنده و واسطه ربا نیز مجرم و مشمول مجازات خواهند بود. نکته مهمی که باید
 - بدانید این است که قانونگذار در خصوص کیفیت مجازات اشخاص فوق تفاوتی قائل نشده و همه افراد فوق را مشمول مجازات می‌داند.
- در موارد ذیل ربا گیرنده مجازات نمی‌شود:
- در صورتی که ثابت شود ربا گیرنده در مقام دریافت ربا و پرداخت مال اضافی ناشی از ربا مضطر بوده، از مجازات معاف می‌شود.
 - در صورتی که قرارداد ربا بین پدر یا فرزند یا زن و شوهر باشد.
 - در صورتی که کافر از مسلمان ربا دریافت کند، جرم نبوده و مشمول مجازات نخواهد شد.

۲. اموال ناشی از رشوه

در صورتی که وجه ناشی از ارتشاء کشف و توقیف شود که مشمول تبصره ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۷۵ نشود اگر پرونده با رعایت مواد ۱۰۹ و تبصره ذیل ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مشمول مرور زمان تعقیب کیفری شود وجوه مزبور باید به نفع دولت ضبط شود، چرا که در تبصره ۲ ماده ۳ قانون مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری بیان شده است که در کلیه موارد فوق، مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) درباره وضعیت مالی ناشی از ارتشاء می‌فرمایند: «بر مرتشی واجب است که مالی را که از راشی اخذ کرده است به صاحب آن مسترد نماید» مرحوم شهید اول (ره) نیز در این باره می‌فرمایند: «رشوه حرام

است و اعاده آن واجب است» بنا به نظر فقهای شیعه مال ناشی از ارتشاء باید به راشی مسترد شود، در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب و رشوه و... را گرفته و به صاحب حق رد نماید و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد، این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود». بر اساس تبصره ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵: «هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بود، تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد.» با عنایت به شق آخر تبصره مذکور روشن می‌شود که از نظر قانونگذار اصل بر عدم استرداد مال ناشی از ارتشاء می‌باشد و مال یا وجه موصوف می‌بایست به نفع دولت ضبط شود و تنها استثنای مزبور موردی است که در تبصره ماده ۵۹۲ به آن اشاره نموده است و تبصره مذکور در مقام بیان یک استثناء می‌باشد. همچنین در تبصره ۲ ماده ۳ قانون مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری و تبصره ۲ ماده ۶۰ قانون خدمات وظیفه عمومی اصلاحی ۱۳۶۸/۹/۸ هم در مورد مال ناشی از ارتشاء حکم مشابهی را مقرر نموده است «به موجب تبصره مذکور اموالی که رشوه داده شده به عنوان جریمه ضبط می‌شود و هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن رشوه وجه یا مالی رشوه داده شده به او مسترد می‌گردد» با عنایت به موارد فوق اگر چه ضبط مالی ناشی از ارتشاء به نوعی تعزیر راشی است لیکن در مقابل حق حاکمیت هم مطرح می‌شود و در هر حال تکلیف وجوه یا اموال می‌بایست مشخص شود و در مواردی که عدم استرداد آن به راشی تجویز است بایستی حتماً به نفع حکومت ضبط شود کما اینکه در ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی هم مقرر می‌نماید؛ در صورت موقوفی شدن تعقیب راجع به اموال و وجوه حاصله جرم و ضبط آن دادگاه اقدام خواهد نمود که نشان می‌دهد در فرض پرسش مذکور، وجوه کشف شده ناشی از ارتشاء هم باید به نفع دولت ضبط شود.

۳. اموال ناشی از اختلاس

بر اساس ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری جست‌وجو کرد که چنین مقرر نموده است: «هر یک از کارمندان ادارات و سازمان‌ها و یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه قضایی و به طور قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و ماموریت به خدمات عمومی اعم از رسمی و یا غیررسمی وجوه و مطالبات یا حواله‌ها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و موسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد. در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.» ماده ۶ قانون تشدید مجازات هم در این رابطه مقرر نموده است: «مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد،

شروع‌کننده به مجازات به آن جرم محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر و یا هم‌تراز آن‌ها باشد، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند، به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.»

تبصره ۱: در صورت اتلاف عمدی مرتکب علاوه بر ضمانت به مجازات اختلاس محکوم می‌شود.

تبصره ۲: چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد، در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به دو تا پنج سال حبس و یک تا پنج سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به هفت تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۳: هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.

تبصره ۴: حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرایم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۵: هرگاه میزان اختلاس زاید بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل قابل رسیدگی نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به‌ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ‌گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶: در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت یا انفصال دائم خواهد بود.»

۵. اموال ناشی از سرقت

سرقت حدی و تعزیری در صورت وقوع با توجه به شرایط موجود هستند. در قانون، دارای مجازات حدی و تعزیری بر اساس درجات مندرج در قانون است که با توجه به قانون، مجازات جرایم حدی از جمله، سرقت به هیچ وجه قابل تخفیف نمی‌باشند، هر چند در سرقت تعزیری امکان وجود تخفیف مجازات می‌باشد؛ ولی حکم مشترکی که در مورد سرقت حدی و تعزیری با توجه به آثاری که در مورد اموال مسروقه وجود دارد و موجب محرومیت مالک آن از اموال می‌شود، این است که براساس قانون مجازات اسلامی و قواعد مسوولیت مدنی، دادگاه کیفری ضمن رد عین مال مسروقه، حکم به پرداخت خسارت و ضرر و زیان هم می‌نماید. براساس رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ - ۱۳۹۹ / ۷ / ۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «در موارد شرکت در سرقت، مسئولیت هر یک از سارقان در رد مال به میزان مالی است که تحصیل کرده است و دادگاه در اجرای ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حدود مسئولیت هر یک از سارقان را بر

همین اساس مشخص می‌کند و اگر میزان مال تحصیل شده توسط هر یک از سارقان معلوم نباشد، با توجه به اصل تساوی مسئولیت که از جمله در مواد ۴۵۳، ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است، مسئولیت سارقان در رد مال مسروقه به طور مساوی است. براین اساس، رأی شعبه بیست و هفتم دادگاه تجدید نظر استان اصفهان که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

۶. اموال ناشی از قمار

مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی در رابطه با عنصر مادی جرم قمار و شرط بندی صحبت کرده و کلیه اعمال مربوط به آن را جرم می‌داند. براساس ماده ۶۵۴ قانون مدنی، «در دعاوی راجع به قمار و گروبندی مسموع نخواهد بود.» بنابراین، چنین شخصی نه تنها مجرم است، بلکه حتی نمی‌تواند دعوای حقوقی مطالبه وجه مطرح نماید. براساس ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی «تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شود.» براساس این ماده هر مالی که از راه قمار به دست بیاید و فرقی ندارد که وسیله، منزل، زمین، یا وجه نقد باشد، برحسب نظر قاضی یا از بین می‌رود (معدوم) یا به عنوان جریمه به نفع دولت ضبط می‌شود. براساس ماده ۸ قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳، «اگر صاحب مال مشخص است، باید به آن‌ها داد و اگر مشخص نیست در اختیار ولی امر قرار داده می‌شود و اگر مقدار آن معلوم نباشد، ولی صاحب مال مشخص است باید با صاحب مال مصالحه کند ولی اگر صاحب مال مشخص نیست، باید خمس مال را در اختیار ولی امر قرار دهد.»

۷. اموال ناشی از سوء استفاده از موقوفات

دعاوی وقفی هم مانند اکثر دعاوی، به عنوان امور مدنی، در محاکم مدنی مورد رسیدگی واقع می‌شود و افراد حقیقی و حقوقی می‌توانند با مراجعه به دادرسی و حتی محاکمی که به طور اختصاصی به امور وقفی شعبه‌ای اختصاص داده‌اند، مراجعه کرده و طرح دعوی نمایند. پس از تنظیم دادخواست، پرونده در مرحله رسیدگی قرار گرفته و قاضی با استناد به مدارک و شواهد و با استفاده از مواد مندرج در قانون مدنی و قانون اوقاف، حکم نهایی را صادر می‌نماید. در رابطه با مجازات سوءاستفاده‌کنندگان از املاک وقفی هم می‌توان چنین بیان نمود که بر اساس ماده ۶۹۰ تعزیرات قانون مجازات اسلامی تصرف زمین‌ها و املاک وقفی، تصرف عدوانی شمرده می‌شود و چنانچه کسی زمین‌های موقوفه را مورد خرید و فروش قرار دهد، این موضوع فروش مال غیر به شمار می‌رود و مشمول عنوان کلاهبرداری خواهد شد و دادگاه متصرفان را به جبران خسارت، خلع ید، حبس و جزای نقدی محکوم می‌نماید. یکی از دلایل دست‌درازی موقوفه‌خواران به املاک وقفی، نداشتن سند ثبتی بود که از قرار معلوم به دلیل تحولاتی که در روند ثبت اسناد و الکترونیکی نمودن آنها در یک سامانه جامع صورت گرفته، عملیات صدور اسناد ثبتی موقوفات به حداقل زمان ممکن رسیده است و این مساله می‌تواند مانع تخلفات امور وقفی شده و دعاوی را کاهش بدهد.

۸. اموال ناشی از سوء استفاده از مقاطعه کاری و معاملات دولتی

منظور از سوء استفاده از مقاطعه کاری و معاملات دولتی این است که در اثر عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به قراردادهای دولتی و یا اعمال نفوذ و رابطه بازی، منجر به انعقاد قراردادی شود که ثروت نامشروع از این طریق تحصیل شود و یا قراردادی بر خلاف مصالح جامعه اسلامی منعقد شود. به همین دلیل قراردادهای واگذاری اراضی ملی به اشخاص جهت اجرای طرح می‌تواند مضمول این ماده شوند. البته قانونگذار در این مورد با عباراتی نظیر «هرگونه سوء استفاده از معاملات دولتی» به صورت کلی به معاملات دولتی و سوء استفاده از آنها اشاره کرده است و به صورت جزئی و دقیق منظور از سوء استفاده را روشن نکرده است. در این زمینه اداره حقوقی قوه قضاییه نظر داده است: «به صراحت بند ۵ ماده یک قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی (عدم رعایت قوانین و مقررات و شرایط در صورتی مضمول این بند می‌باشد که منجر به تحصیل درآمد نامشروع شود و یا اینکه اساساً معامله یا قرارداد مورد بحث بر خلاف شرع و مصالح مسلم امت اسلامی منعقد شود، که آن هم مشروط به احراز اعمال نفوذ و روابط می‌باشد. بر این اساس صرف عدم رعایت مقررات و شرایط لازم، مضمول بند ۵ ماده فوق‌الاشاره نبوده و حسب مورد از تخلفات اداری یا جزایی می‌باشد که در صلاحیت مراجع مربوطه می‌باشد» (نظریه شماره ۷/۵۷۷۲ - ۱۳۶۶/۱۱/۱۹). در حقیقت در نظریه مذکور به نوعی به سوء نیت در عمل ارتكابی با عبارت احراز اعمال نفوذ و روابط اشاره شده است. به همین خاطر در صورتی که در واگذاری‌های انجام شده صرفاً برخی از شرایط و مقررات قرارداد یا قانون رعایت نشود و این سوء نیت احراز نشده باشد، نمی‌توان آن‌ها را مصداق سوء استفاده از معاملات دولتی و مضمول اصل ۴۹ قانون اساسی قلمداد نمود. از دیگر مواردی که در مورد اراضی ملی و دولتی قانونگذار در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی بدان اشاره نموده است، ماده ۷ می‌باشد که مقرر می‌نماید: «در صورتی که اموال نامشروع از اموال عمومی یا انفال باشد، محکوم به در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.» به این ترتیب هر گونه تحصیل درآمد نامشروع از انفال و اموال عمومی که برخی از مصادیق آن‌ها در اصل ۴۵ قانون اساسی از قبیل رودخانه‌ها و دامنه کوه‌ها بدان اشاره شده است، صورت بگیرد، می‌تواند مصداقی جهت ماده ۷ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی شود.

۹. اموال ناشی از فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی

در رابطه با اراضی موات هم در ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مقرر نموده است: «دادستان موظف است رأساً نسبت به اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر که آن‌ها را با توجه به دلایل و امارات موجود نامشروع و متعلق به بیت‌المال یا امور حسبیه تشخیص دهد، از دادگاه صالح رسیدگی و حکم مقتضی را تقاضا کند. کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که مبادرت به فروش یا تصاحب اراضی موات و مباحات اصلی نموده‌اند.» برای همین تحصیل اموال نامشروع با زمین‌خواری چه از طریق فروش اراضی موات باشد و چه از طریق تصاحب غیرقانونی یا تصرف عدوانی، باید توسط دولت باز پس گرفته شود و در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار بگیرد. در نهایت در رابطه با اراضی مجهول‌المالک هم براساس آیین‌نامه قانون نحوه رسیدگی به دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی

مصوب ۱۳۸۰/۷/۲۸ هر نوع سوء استفاده از این اراضی که زمین‌خواری مصداق بارز آن است، در زمره اصل مذکور قرار می‌گیرد.

راجع به ماهیت حقوقی دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی باید بیان نمود که هر چند بر اساس نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی دارای ماهیت حقوقی هستند و جنبه کیفری ندارند، لیکن برخی از مصادیق ممنوعه در اصل مذکور و قانون نحوه اجرای آن امکان دارد ماهیت دوگانه‌ای داشته باشد. مثلاً عمل تصاحب اراضی موات و مباحات اصلی که در اصل و قانون مذکور بیان شده است، هم شامل دعاوی حقوقی که دادگاه انقلاب می‌باید به آنها رسیدگی کند، می‌شود و هم جنبه کیفری دارد به استناد ماده ۶۹۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی می‌باشد. فروش این قبیل اراضی هم به علت تعلق آنها به دولت، علاوه بر اصل مذکور مشمول جرم انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ می‌شود. در این رابطه ماده ۱۰ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مقرر می‌نماید: «اگر دادگاه احراز کند که ثروت نامشروع از ارتکاب جرم حاصل شده است، مجرم را به مجازات لازم محکوم می‌کند، مشروط بر اینکه در مورد جرم مذکور قبلاً رای صادر نشده و یا اینکه مشمول عفو مقام رهبری واقع نشده باشد.» به همین خاطر دادگاه انقلاب در صورتی که به جرایمی نظیر تصرف عدوانی موضوع ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات یا انتقال مال غیر یا رباخواری و اختلاس برخورد نماید، به شرط اینکه در دادگاه‌های عمومی به آنها رسیدگی نشده است، مکلف به رسیدگی خواهد بود. در این حالت دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی دارای ماهیت دوگانه حقوقی - کیفری می‌باشند.

همچنین امکان دارد با عنایت به ماهیت دوگانه دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی در برخی از موارد، زمین‌خواری انجام شده؛ عنوان جزایی داشته باشد و دادگاه‌های مذکور باید به آنها رسیدگی کنند. به طور کلی می‌توان بیان نمود که احکام صادره در مورد زمین‌خواری‌هایی که مشمول دعاوی اصل ۴۹ قانون اساسی می‌شود، شامل سه نوع است که عبارتند از:

- احکام کیفری و مجازات؛ یعنی در مواردی که دادگاه انقلاب طبق ماده ۱۰ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی به جرایم ارتكابی نیز رسیدگی می‌کند، باید مجازات زمین‌خواران را هم در حکم خویش تعیین کند.
- احکام حقوقی خلع ید و رفع تصرف؛ براساس ماده ۲۷ آیین‌نامه اصلاحی نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی دادگاه انقلاب پس از رسیدگی باید نسبت به خلع ید و رفع تصرف اراضی ملی و دولتی که توسط زمین‌خواران انجام شده است، حکم صادر کند.
- احکام تملیکی و مصادره که حکم به مصادره و تملیک اموال به دولت می‌باشد.

۱۰. مصادره وسایل حمل مواد مخدر و مشروبات الکلی

در رابطه با مجازات حمل مواد مخدر و مشروبات الکلی باید گفت که قانونگذار در ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مقرر می‌نماید: «وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد و وارد کننده، صرف نظر از میزان آن، به ۶ ماه تا ۵ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ۱۰ برابر ارزش عرفی تجاری کالای یاد شده محکوم می‌شود؛ رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است.

تبصره ۱- در خصوص مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ این قانون هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از ۲۰ لیتر باشد وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، چنانچه با اطلاع مالک باشد، به نفع دولت ضبط خواهد شد؛ در غیر این صورت؛ مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد. آلات و ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب جرایم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار می‌گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط به نفع دولت ضبط خواهد شد. این ماده به موجب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تغییر کرده است؛ در ادامه همین نوشتار آمده است.

تبصره ۲- هرگاه کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و شرکت‌ها یا موسسات وابسته به دولت، شوراها، شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی و به طور کلی، قوای سه گانه و همچنین اعضای نیروهای مسلح و ماموران به خدمات عمومی در جرایم موضوع مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ این قانون مباشرت، معاونت یا مشارکت نمایند، علاوه بر تحمل مجازات‌های مقرر، به انفصال درجه ۶ از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

تبصره ۳- دادگاه نمی‌تواند، تحت هیچ شرایطی، حکم به تعلیق اجرای مجازات مقرر در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ این قانون صادر نماید.»

با توجه به مواد فوق الذکر در صورتی که مشروبات الکلی بیش از ۲۰ لیتر باشند، مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی قرار می‌گیرند و می‌توان بر اساس وسیله‌ای که برای حمل در نظر گرفته شده است، مصادره نمود.

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور با عنایت به تعریف قاچاق کالا در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و تفکیک عناوین «قاچاق» و «نگهداری کالای قاچاق» در موارد دیگر این قانون از جمله ماده ۲۲ آن صرف نگهداری مشروبات الکلی خارجی گر چه به عنوان یکی از مصادیق کالای ممنوع جرم و مستوجب مجازات مقرر در ماده ۲۲ قانون یاد شده است، اما از حیث صلاحیت از شمول ماده ۴۴ همین قانون خارج است. بر این اساس و با عنایت به ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و استثنایی بودن صلاحیت دادگاه انقلاب، رسیدگی به بزه یاد شده در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. بنا به مراتب، رای شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی و غیر آن لازم الاتباع می‌باشد.

۳-۵. شرایط مصادره اموال در حقوق ایران

اگر پرونده کیفری در جریان رسیدگی باشد، در این صورت دادستان و یا بازپرس مکلف است به تقاضای ذی نفع تکلیف اموالی که ناشی از وقوع جرم و یا وسیله ارتکاب جرم بوده را مشخص نماید و یا در صورتی که قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب را صادر کرد، باید در مورد ضبط و یا معدوم کردن اشیای ناشی از جرم اتخاذ تصمیم کند و استرداد اموال در صورتی محقق می‌شود که دارای شرایط ذیل باشد:

۱. وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نیست.
۲. اجناس و اموال، بلامعارض است، یعنی برای یک مال، مالکین متعارض و متعددی وجود ندارد.
۳. در شمار اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود: اشیا یا اموالی که به لحاظ قانونی نگهداری و وجود آنها جرم و غیر قانونی می‌باشد نه تنها مالکیت ندارند، بلکه نباید در اختیار و تصرف طرف باشد.

اگر اموال ناشی از جرم یا وسیله ارتکاب جرم، از موارد مصرح در قانون و یا متعلق به اموال دولتی است، در این صورت اموال مصادره می‌شود. در مواردی هم در جریان رسیدگی اموال متهم در رابطه با جرم بوده ضبط می‌شود. ضبط و مصادره اموال به عنوان یک مجازات در کنار مجازات اولیه است.

مطابق ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی، بازپرس و یا دادستان باید در صورت صدور قرار منع، وضعیت اموال و اشیا مورد نظر را پیگیری کند و مشخص نماید که این وسایل و اشیا برای ارتکاب جرم، در حین ارتکاب جرم و یا در اثر آن تهیه نموده‌اند. در این رابطه ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌نماید: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین می‌کند. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است، مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیا مذکور را صادر نماید:

الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب- اشیا و اموال، بلامعارض باشد.

پ- جزء اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیا و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رای مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.

تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیا و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه‌های جزائی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید، هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می‌گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می‌گردد.»

بر این اساس پس از حکم دادگاه مبنی بر مصادره، اموال محکوم، به تملک (مالکیت) نهاد مربوطه و ذی‌نفع در هر مورد درمی‌آید و اسناد سابق ابطال و سند مالکیت جدیدی به نام آن نهاد صادر خواهد شد. مصادره به موجب حکم دادگاه یا تنها نسبت به بخشی از اموال حاصل از جرم است یا در مورد تمامی اموال فرد صدق می‌نماید که در این مورد باید به مستثنیات دین توجه نمود که بر اساس ماده‌ی ۴۴۴ قانون تجارت عبارتند از:

- البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری لازم است.
- اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شوند یا کسر قیمت حاصل نمایند.

لازم به توضیح است که رسیدگی به جرایم اصل ۴۹ قانون اساسی که منجر به مصادره اموال می‌شود، در دادگاه‌های انقلاب رسیدگی می‌شوند که مرجع تجدید نظر آن دیوان عالی کشور است؛ اما رسیدگی به سایر موارد مصادره با توجه به موضوع آن در دادگاه‌های عمومی انجام می‌گیرد؛ با توجه به مطلب مذکور، مصادره اموال با توجه به قانون، به‌عنوان حکم و مجازات کیفری به‌معنای استیلاء (تسلط) دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه (کسی که حکم علیه او می‌باشد و اموالش ضبط می‌شود) به موجب حکم دادگاه این اموال به بیت‌المال جهت مصارف عمومی تعلق می‌گیرد.

۴-۵. مطالعه تطبیقی مصادره اموال در فقه و حقوق

بررسی قوانین مربوط به مصادره اموال نشان می‌دهد که مبانی حقوقی مصادره، مغایر با عناوین و جهات فقهی آن نمی‌باشد. ملاحظه اظهارات و دیدگاه‌های قانونگذاران به هنگام بحث و بررسی قوانین مربوط، راهنمای خوبی برای استنباط مبانی حقوقی مصادره در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بدین منظور، بیانات چند تن از نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی را مطرح خواهد شد:

آیت الله مقدسی شیرازی یکی از فقهای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سخنان قبل از دستور جلسه ۵۵ بیان می‌کند: «این همه ثروت جمع نموده‌اند، حبس کرده‌اند، چرا نمی‌آیند حقوق الهی را پرداخت کنند؟ مگر خمس یکی از حقوق مسلم قانون اسلام نمی‌باشد؟ اینها را اگر بخواهیم محاسبه نماییم و باید هم محاسبه بشوند همین ثروت ملت می‌باشد که آنان جمع نموده‌اند. همین ثروت‌هایی است که یا از راه غیر مشروع به دست می‌آید و اگر از راه غیر مشروع باشد باید مصادره نمود. حالا اگر بعضی‌ها هم می‌گویند در اسلام مصادره نداریم، مصادره به چه معناست مصادره یعنی مال غیر مشروع که از راه غیر مشروع به دست آمده است. باید این طور ثروت‌ها گرفته شود. اگر صاحبان اصلی آن‌ها معلوم باشد به آن‌ها داده بشود و اگر صاحبان اصلی آن‌ها معلوم نیست، برای بهبودی وضع زندگی نیازمندان و مستضعفین به بنیاد مستضعفان و به بیت‌المال برگردانده شود و اگر هم آن ثروت‌هایی که جمع کرده‌اند از راه حلال و حرام به دست آمده است بایستی دو خمس گرفته شود. یک خمس، خمس مال مخلوط به حرام اگر صاحبش و مقدارش معلوم نباشد و یک خمس، خمس پس‌انداز که مال را ذخیره کرده است و یا رفته املاکی و یا اشیای دیگر خریده و یا در بانک‌ها گذاشته‌اند. این باید دو نوع خمس بدهد که در حقیقت چهل درصد باید خمس

بدهد. در شریعت اسلام پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله کسانی را بین این ثروتمندان می‌فرستادند آن مقدار مالی که حق خدا و قانون اسلامی بود از آن‌ها اجباری می‌گرفتند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلسه ۵۵، ۱۵۰۲-۱۵۰۳). آیت الله ناصر مکارم شیرازی یکی از فقهای این مجلس در زمان تصویب اصل ۴۹ قانون اساسی بیان می‌کند: «این اصل هم ریشه قرآنی دارد: و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم (سوره بقره، آیه ۲۷۹) اموال ربوی باید به صاحبانش باز گردانده شود و هم ریشه حدیثی دارد؛ علی علیه السلام وقتی که به خلافت رسیدند فرمودند: تمام اموالی که از بیت المال به غارت رفته، همه آن‌ها را من برمی‌گردانم ولو این که این‌ها به مهریه زنان رفته باشد و از آن استفاده‌های گوناگون کرده باشند و از نظر فقهی مسلم است اموالی که از طریق حرام به دست بیاید، گذشت زمان ایجاد مالکیت نمی‌کند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلسه ۵۵، ۱۵۱۶).

دکتر ضیایی هم یکی دیگر از نمایندگان این مجلس بیان می‌کند: «ما اقتصاد نظام گذشته را بیشتر از جانب ثروتمندان و بازرگانانی می‌بینیم که از بانک‌ها اعتبار و پول گرفتند و تجارت خارجی کردند مثلاً شیشه متری شانزده تومانی را متری هشتاد و پنج تومان فروختند و بقیه اجناس هم همین طور و این‌ها از اعتبارات بانکی استفاده کردند؛ یعنی از اعتبارات ملت، و جنسی را هم که آوردند ده برابر فروختند و تورم ایجاد کردند، کیسه خودشان را پر کردند و اختلاف طبقاتی ایجاد کردند و در نتیجه این اعتبارات، مقدار زیادی هم به بانک‌ها ربا دادند که آن حرام بود، قسمت اولش هم حرام بود».

آقای عبد خدائی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بخشی از سخنان خود به هنگام طرح لایحه نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، از اصطلاح استرداد به جای مصادره استفاده می‌نماید. ایشان با استناد به این سخن امیر المومنین که: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لرددته، فان فی العدل سعء و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اذیق» بیان می‌کند «حتی اگر مال حرام در کابین زنان باشد باید به صاحبش برگردد و باید به بیت المال «مسترد» بشود»، این از نظر اسلامی واضح است.

آقای زمانی یکی دیگر از نمایندگان از مصادره را با اصطلاح «پس گرفتن» یاد نموده و بیان می‌کند: «اموالی که اسباب تملیک ندارد، از حرام، غضب، قاجاق، مشاغل حرام، تجاوز به انفال، فحشا، ربا، ارتشا، سوء استفاده، کم فروشی، گران فروشی و غش در معاملات گرد آمده، در دست هر کس و با هر موقعیتی که هست باید پس گرفت» و قوانین تقریباً روشنی هم وجود دارد. نگرفتن این گونه اموال، تعطیل قانون است و سکوت و عدم اقدام، مشارکت در گناه» (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۱۱۸۹، ص ۲۱).

آیت الله آذری قمی نیز ضمن دفاع از لزوم مصادره اموال، از آن به عنوان استرداد یاد می‌نماید و بیان می‌کند: «همین اصل مالکیت است که اجازه استرداد اموال به غارت رفته را می‌دهد، نه اصل مبارزه آن طور که بعضی‌ها می‌گویند چطور ما به خود اجازه می‌دهیم که این اصل و قانون را بی‌اعتبار جلوه دهیم. همان طور که عرض کردم ما هم معترضیم و

می‌گوییم باید اموال طاغوت‌چیه‌ها را نگه داشت و به آن‌ها پس نداد، ولی از راه قانون» (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲۰۹۳، ۲۰-۲۱).

آقای دری نجف آبادی یکی دیگر از نمایندگان به هنگام بحث راجع به تبصره ۸۲ قانون بودجه سال ۱۳۶۲ بیان می‌کند: «و اگر افرادی سوء استفاده نمایند، فرصت طلبی نموده و غارت نمایند، دزدی کنند، امثال ذلک، احتکار نمایند، ربا خواری کنند، رشوه خواری کنند به صورت‌های دیگر که اموالشان اموال نامشروع است در واقع از اموال عمومی جامعه این‌ها جمع نمودند، یک جا انباشته شده و عده بسیاری هم در جامعه محروم و مستضعف و بیچاره و بینوا و نیازمند به کمک‌های جدی ما می‌باشند. ما گفتیم که خوب، این اموالی که از این کانال در رابطه با تبصره ۸۲ مطرح می‌شود بیاید در اختیار کمیته امداد قرار بگیرد» (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۱۹۷۳، ۲۰).

بحث و نتیجه‌گیری

مصادره اموال می‌بایست دارای محدوده و قلمرو مشخصی باشد و ضوابط تعیین کننده آن به نحوی مقرر شود که هم از قطعیت برخوردار بوده و هم موجب تضییع حقوق مالکانه اشخاص نشود.

مصادره از لحاظ حقوقی سلب مالکیت فی نفسه در حقوق بین‌الملل منع نشده، اما شرایط قابل قبول بودن آن مورد بحث است. طبق نظریه سنتی، برای این که مصادره قابل قبول باشد، باید تبعیض آمیز و تلافی‌جویانه نبوده و غرامت عادلانه، یعنی غرامت فوری، کافی و مؤثر پرداخت شود. همچنین مصادره باید بر مقاصد عمومی و طبق موازین قانونی باشد. دادگاه‌ها عموماً بهره‌ارزش‌داری‌ها را برای یک دوره زمانی از تاریخ ضبط مال تا تاریخ حکم یا اجرای آن مورد نظر قرار می‌دهند. منطق این امر کاملاً توجیه‌پذیر است؛ زیرا صاحب مال از تاریخ ضبط مال از ارزش‌داری‌اش محروم شده است و چنانچه مال به عنوان سرمایه‌ای تلقی گردد که از آن پس مالک قادر به کسب درآمد از آن نیست، دارنده آن استحقاق دریافت بهره‌چنین سرمایه‌ای را نیز دارد. مصادیق مصادره اموال در حقوق عبارتند از: اموال ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری و معاملات دولتی می‌باشد.

علی‌ای حال موارد و مطالب مذکور موید این امر است که در قوانین کیفری ما در خصوص ضبط و مصادره اموال دارای نقص بوده و کامل نمی‌باشد و نظر به اینکه ضبط و مصادره اموال به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری و نوعی مجازات مالی نیز می‌تواند مطرح باشد، با توجه به اصل فقهی احترام مال و مالکیت در حقوق اسلام و ایران و با عنایت به اصول مسلم حقوقی (اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصل تساوی مجازات‌ها) به جاست که مقنن نسبت به رفع نواقص مشروحه اقدام تا جایگاه ضبط و مصادره اموال در قوانین کیفری ایران مشخص و معین گردد.

منابع

- امامی، سید حسن. (۱۳۹۰). حقوق مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامیه.
- آقایی، سید داوود. (۱۳۸۴). نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران، نشر نسل نیکان.

- بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۹۸). سوء استفاده از حق (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و دیگر نظام‌های حقوقی)، چ ۴، تهران، انتشارات اطلاعات.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۴۰۰). ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- خواجه‌وند، مظاهر؛ پور اسکند، عادل. (۱۳۹۶). مصادره اموال در حقوق ایران با تاکید بر رویه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی. ماهنامه پژوهش ملل، ۲(۲)، ۱۲۵-۱۰۹.
- دلیر، حمید. (۱۳۹۵). حقوق اشخاص ثالث در فرآیند مصادره اموال در حقوق ایران و انگلیس، مجله تحقیقات حقوقی، دوره دوم، شماره ۱.
- شاکری، ابوالحسن، قلی زاده، بهروز. (۱۳۹۸). ضبط اموال در حقوق کیفری ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۷، ۱۷۰-۱۸۸.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم. (۱۳۷۰). حاشیه‌المکاسب. موسسه اسماعیلیان.
- عامری، آفاق. (۱۳۹۶). مصادره اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و چالش‌ها و راهکارها، پایان نامه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- کامیار، غلامرضا. (۱۳۹۶). حقوق اداری اموال، سلب مالکیت به سبب منفعت عمومی، چاپ او، تهران، انتشارات مجد.
- مسیح زاده، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی جایگاه ملی کردن و مصادره اموال در حقوق ایران. فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوین، دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۵۸). صحیفه امام، جلد ۱۰، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مهدی زاده، شهلا. (۱۳۹۵). ماهیت و آثار مصادره اموال بیگانگان از دیدگاه حقوق خصوص، تهران، نشر آگاه.
- نجفی، سینا. (۱۳۹۸). بررسی جزایی ضبط و مصادره اموال در قانون مجازات اسلامی ایران. فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار، ۳(۱۰): ۱۳۵-۱۶۳.
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۱۱۸۹
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۱۹۷۳
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲۰۹۳
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلسه ۵۵.
- قانون اساسی
- قانون مجازات اسلامی